



بسم الله الرحمن الرحيم

اهداف بعثت

1- رفع اختلاف

بشر در آغاز دارای زندگی اساس و جامعه ای ابتدایی بود و چون به تدریج بر تعداد افراد افزوده شد، بین آنان بر اثر تضاد منافع، اختلافات رخ داد، از این رو نیازمند راهنما و قانون شدند. بر این اساس، یکی از اهداف بعثت انبیا (ع) به بیان قرآن کریم بر طرف کردن تنازع و کشمکش بین مردم می باشد؛ آنجا که می فرماید:

«مردم {در ابتدا} يك دسته بیشتر نبودند و تضادی در میان آنها وجود نداشت. تدریجا جوامع و طبقات پدید آمدند و سپس در میان آنها اختلافات به وجود آمد. پس خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت دهند و انذار کنند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت می کرد، بر آنها نازل نمود تا در میان مردم در آنچه اختلاف داشتند، حکومت کند.» (بقره. 213)

پیامبر اکرم (ص) نیز پس از بعثت و به محض فراهم شدن زمینه تشکیل حکومت اسلامی با هجرت از مکه به مدینه، نخستین اقدامی که کرد، ایجاد الفت و برادری در بین مسلمانان و رفع اختلاف و پراکندگی و خشکاندن ریشه دشمنی دیرینه بین دو قبیله بزرگ مدینه، یعنی «اوس» و «خزرج» بود. (1) قرآن کریم به این جریان چنین اشاره دارد:

همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هرگونه وسیله ایجاد وحدت) چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت {بزرگ} خدا را بر خود به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان دل های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید.» (آل عمران. 103)

وجود مقدس آن حضرت پیوسته عامل وحدت و همبستگی بود و بارها در موقعیت های گوناگون موجب برطرف شدن اختلافات میان قبایل مختلف و یا صفوف مسلمانان می شد.

2 - برقراری قسط و عدل

از دیگر اهداف بعثت رسولان الهی به ویژه رسول اکرم (ص)، فراهم کردن شرایط برای قیام مردم به عدل و داد است. بدین منظور پیامبران (علیهم السلام) با تجهیز شدن به دلایل روشن، کتاب های آسمانی و میزان سنجش حق از باطل، مأموریت یافته اند تا در راستای برقراری قسط و عدل در جامعه تلاش نمایند. قرآن در این باره می فرماید:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ (حدید: 25) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب {آسمانی و میزان شناسایی} حق و قوانین عادلانه نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.»

مراد از بینات، معجزات و دلایل عقلی است که پیامبران (علیهم السلام) از آنها بهره مند بوده اند و منظور از میزان - که به معنی وسیله وزن کردن و سنجش است - مصداق معنوی آن، یعنی قوانین و مقررات الهی و یا دین و آیین است که معیار سنجش خوبی ها و بدی ها، و ارزش از ضد ارزش ها است. (2)

در خصوص، پیامبر خاتم (ص) نیز قرآن کریم پس از بیان مأموریت آن حضرت برای ایجاد وحدت در بین انسان ها و استقامت و پایداری در این راه، مسئولیت برقراری عدالت در جامعه را به ایشان نسبت می دهد و می فرماید:

«قُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ؛ (شوری: 15) بگو ای پیامبر! به هر کتابی که خداوند نازل کرده، ایمان آورده ام و مأمورم در میان شما به عدالت رفتار کنم.»

عدالت آرزوی دیرینه بشر است که همواره در طول تاریخ در جستجوی آن بوده و اگر هرچه تلاش نموده، کمتر به آن رسیده، علتش جز این نیست که از اهداف بعثت انبیای الهی (علیهم السلام) فاصله گرفته است و برآستی که امروزه تنها در سایه سار بعثت رسول اکرم (ص) و عمل به دستورات هدایت بخش قرآن و عترت - این یادگاران جاوید پیامبر(ص) - است که می توان به قسط و عدل واقعی نایل گردید.

3 - پیراستن جان ها از پلیدی ها

به حق، برانگیخته شدن پیامبری درس نخوانده و از میان توده مردم برخاسته، (رسول امی) نعمت بسیار بزرگی از سوی پروردگار است که سزاوار منت گذاری خداست؛ پیامبری که موظف به تلاوت آیات روح افزای الهی به منظور تطهیر نفوس مردم از پلیدی های شرکت و عقاید باطل و خوی های پست حیوانی و رشد و نمو آنان به اخلاق فاضله و تربیت در فضای ملکات انسانی می باشد؛ چنان که آن حضرت خود فرمود: «بُعِثْتُ لِاتِّمَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ؛ (3) من مبعوث شدم تا اخلاق کریمانه را به اتمام و اکمال برسانم.»

قرآن کریم در يك آیه می فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ...؛ (جمعه: 2) او (خدا) کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از (جنس) خودشان برانگیخت تا آیاتش را بر آنها بخواند و آنان را پاکیزه کند...»

و در آیه ای دیگر از آن جهت که تنها مومنان، تحت تاثیر آیات وحی راه طهارت و تزکیه نفس را می پیمایند و به فضایل اخلاقی زینت می یابند، منت گذاری خدا را متوجه مومنان می داند و می فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ...؛ (آل عمران. 164) خداوند بر مومنان منت نهاد هنگامی که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنها بخواند و آنها را پاک گرداند.» بنابراین از اهداف مهم دیگری که قرآن کریم برای مبعث رسول خاتم (ص) برشمرده، تزکیه و تربیت مردم برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهای متعالی انسانی و در نتیجه تنظیم روابط نیک با خالق و مخلوق در جامعه اسلامی است.

4 - آموزش قرآن و حکمت

قرآن مجید در ادامه دو آیه فوق، هدف دیگر از بعثت رسول اکرم (ص) را پس از تلاوت آیات الهی و تزکیه و تربیت نفوس، تعلیم کتاب و حکمت به مردم معرفی می کند. «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ.» چنان که گفته اند، «کتاب» اشاره به قرآن و تعلیمات آسمانی آن دارد و «حکمت» اشاره به فلسفه و اسرار معارف قرآن و به فرموده علامه طباطبایی: «تعلیم کتاب و حکمت شامل تمامی معارف اصولی و فروعی دین می گردد.» (4)

اما اینکه در راستای تبیین اهداف بعثت، در سه آیه از قرآن (همچون دو آیه مذکور) تزکیه قبل از تعلیم کتاب و حکمت ذکر شده و در يك آیه، بعد از آنها بیان گردیده (بقره: 129) نشان دهنده این حقیقت است که این دو امر تاثیر متقابل در یکدیگر دارند و همان طور که تربیت صحیح اخلاقی، زاینده علم حقیقی است، علم حقیقی هم نتیجه تربیت صحیح اخلاقی می باشد.

بدین ترتیب، پیامبر اکرم (ص) از بین توده مردم به امر مقدس رسالت برانگیخته شد تا با تلاوت آیات الهی،

مردمی را که به صراحت «وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (آل عمران: 164) در ضلالت و گمراهی آشکار به سر می بردند و گرفتار سیه روزی و بدبختی، جهل و نادانی و آلودگی های گوناگون معنوی بودند، به برکت تعلیم کتاب و حکمت، تربیت نماید و به سوی کمال انسانی سوق دهد؛ چنان که در مدت کوتاه رسالت خویش، انسان های بزرگی همچون علی (ع)، فاطمه (س)، سلمان، مقداد، ابوذر و مانند آنان را تربیت کرد و تحول عظیمی در جامعه آن روز حجاز ایجاد کرد و زمینه گسترش تعالیم حیات بخش و معارف هدایتگر دین خود را برای همیشه توسط اهل بیت (ع) خویش به سراسر دنیا فراهم ساخت.

5. عبادت و بندگی

اگر مقصود از آفرینش جن و انس به بیان آیه شریفه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: 56)، عبادت پروردگار عالمیان است، هدف نهایی از بعثت پیامبران الهی، به ویژه خاتم رسولان (ص) نیز جز رساندن بشر به جایگاه والای عبودیت موحدانه و نجات او از پرستش طاغوت نخواهد بود:

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ (نحل: 36) ما در هر امتی رسولی فرستادیم که خدای یکتا را پرستید و از طاغوت اجتناب کنید.»

امیرمؤمنان حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «همانا خداوند، محمد (ص) را به حق مبعوث کرد تا مردم را از پرستش بندگان خدا {نجات بخشد و با خود} به سوی پرستش خدا ببرد.» (5)

چه اینکه پرستش خدا متوقف بر پذیرش توحید و یکتایی پروردگار و ولایت او بر همه موجودات هستی است که موجب خروج انسان از ظلمت شرك و کفر و نادانی و رذایل اخلاقی، و عروج به نور کمال انسانی می باشد؛ در حالی که عبادت طاغوت (شیطان و هرچه در مقابل حق است) باعث سقوط آدمی به قعر ظلمات گمراهی و مایه گرفتاری در عذاب الهی است:

«خداوند ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند، آنها را از ظلمت ها به سوی نور بیرون می برد؛ {اما} کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوت است که آنها را از نور به سوی ظلمت ها بیرون می برد. آنها اهل آتش اند و همیشه در آن خواهند بود.»

6. اتمام حجت

رحمت واسعه خداوند اقتضا می کند که حکم عقل را به سبب بعثت رسولان خود به حکم نقل تأیید و تقویت کند و حجت و راهنمای باطنی (عقل) را با حجت و راهنمای ظاهری (رسالت) همراه سازد و بدین ترتیب، راه سعادت و خوشبختی را فراروی بندگان بگستراند که: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ (انسان: 3) ما راه

را به انسان نشان دادیم که یا شکرگذار است و یا ناسپاس.»

و این گونه است که با برخورداری بشر از نعمت رسالت و هدایت، حجت الهی بر او تمام می شود و جای هیچ گونه عذر و بهانه ای برای مجرمان و گنهکاران باقی نمی ماند؛ چنان که قرآن کریم می فرماید: «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء: 51) و ما هرگز {شخص یا قومی را} مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری را مبعوث کرده باشیم.»

و حضرت علی (علیه السلام) درباره رسول خدا (ص) می فرماید: «گواهی می دهم که محمد (ص) بنده و فرستاده خداست. او را فرستاد تا فرمان خدا را اجرا کند و بر مردم حجت را تمام نماید و آنها را در برابر اعمال ناروا بترساند.» (7)

و این چنین است که بشر امروزی نیز در برابر مظاهر فریبنده و جاذبه های دروغین دنیایی، به واسطه گرفتاری در غل و زنجیر هوا و هوس معذور نخواهد بود و نسبت به قهر و انتقام الهی هیچ گونه حجت و دلیلی نخواهد داشت.

سخن آخر

بعثت پیامبر اکرم (ص) به عنوان سر سلسله قافله انبیا (ص) عالی ترین موهبتی است که پروردگار عالمیان به بشر ارزانی داشته تا از رهاورد آن، جان ها از پلیدی های شرک و گناه زدوده شود و با ترتیب نقوس درپرتو تعلیم کتاب آسمانی و اسرار و معارف دینی، قسط و عدل درجامعه انسانی حکمفرما گردد و اختلافات که سر منشأ جز جهل و نادانی و دنیا دوستی و خودخواهی ندارد، برطرف شود و آدمی به عروج بر فراز آسمان عبودیت و کمال نایل گردد و بدین ترتیب حجت بر همه افراد بشر از مؤمن و کافر تمام شود.

پی نوشت :

- 1 - ر. ک. تفسیر نمونه، ج3، ص25
- 2 - ر. ک. تفسیر المیزان، ج19، ص171، تفسیر نمونه، ج23، ص370
- 3 - بحار الانوار، ج76، ص372
- 4 - تفسیر المیزان، ج1، ص330
- 5 - الکافی شیخ کلینی، ج8، ص386، ح. 586
- 6 - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولین نظام به مناسبت مبعث پیامبر اکرم (ص)، 1376. 9. 7
- 7 - نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص131، خطبه 38.